



اصلاح طلب وفای در یزد محقق نشد، هرچند که اصولگرایان به عکس این موضوع معتقد هستند.

▼ فشار پررنگ نمایندگان مجلس

در مجموع نبود یک چارچوب مشخص در انتصاب استاندار و همچنین نبود چارچوبی برای انتصاب مدیران استانی باعث شده است که در دولت چهاردهم نیز با وجود ادعای رئیس‌جمهور مبنی بر استفاده از شاخص‌های علمی و کاربردی در انتخاب استانداران، اما همچنان فشار جریان‌های سیاسی از نمایندگان مجلس گرفته تا فعالان، سیاسی و حتی دخالت‌های خانوادگی و از سوی دیگر دیدگاه‌های شخصی استانداران در انتصاب‌ها سایه اندازد. بررسی وضعیت ۳۱ استان کشور نشان می‌دهد در تمامی استان‌ها ردپای نمایندگان مجلس در چپش مدیران استانی بسیار پررنگ است. برای مثال در استان زنجان فشار نمایندگان مجلس و مخالفت یکی از نمایندگان در انتصاب فرماندار شهر زنجان منجر به لغو حکم فرماندار منتخب استاندار شد و همین منجر به انجام با تاخیر تصمیمات استاندار شد.

▼ ناتوانی برخی استانداران

در بسیاری از استان‌ها، استانداران توان مقابله با جریان‌های فکری و سیاسی حاکم بر استان را ندارند. این فشارها تنها به نمایندگان مجلس و جریان‌های سیاسی محدود نمی‌شد و فشار برخی معاونان و حتی وزرای دولت نیز ابتدا در انتخاب استاندار و سپس در انتخاب مدیران استانی پررنگ بود. هرج و مرج در رویکردهای انتصابات از سوی دیگر این فضا را به برخی از استانداران نیز داد که بهانه انتخاب‌هایی که از نظر برخی از فعالان سیاسی ناکارآمد و ضعیف بود را فشار دولت مطرح کنند. فشار جریان‌های محلی و نمایندگان مجلس همچنان بر فرآیند انتصابات تأثیرگذار بوده و استانداران برای تحقق وعده‌های خود مجبور به مذاکره و مصالحه با این جریان‌ها شده‌اند. در استان‌هایی همچون چهارمحال و بختیاری، مرکزی، همدان، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر دخالت‌ها در انتصابات از دیگر استان‌ها پررنگ‌تر بود، درحالی‌که در استان ایلام، خراسان شمالی، سمنان و قم اقتدار استانداران در تصمیمات مورد تحسین فعالان سیاسی قرار گرفت.

در بسیاری از استان‌ها، به‌ویژه استان‌هایی که استاندار منتصب به جریان اصلاح‌طلب و حتی معتدل و یا مستقل نداشتند، اعضای ستادهای انتخاباتی پزشکیان به نوعی خود را بازنده انتخابات می‌دیدند چراکه انتظار آنها برای کار در ستادهای استانی و در ادامه انتخاب به عنوان مهره‌های استانی رئیس‌جمهور منتخب به بیراهه رسید.

البته بنابر ارزیابی از آنچه در بازه زمانی مذکور مطرح شد، به صورت نسبی اصلاح‌طلبانی که در این بررسی حضور داشتند، در ۱۶ استان کردستان، اصفهان، البرز، کرمانشاه، یزد، خوزستان، هرمزگان، گلستان، تهران، سمنان، همدان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، فارس و سمنان از انتخاب و عملکرد استانداران ناراضی هستند. درحالی‌که استانداران در ۱۵ استان دیگر یعنی زنجان، قم، سیستان و بلوچستان، گیلان و مازندران، آذربایجان شرقی و غربی، مرکزی، خراسان شمالی، خراسان رضوی، لرستان، اردبیل، بوشهر، کرمان، قزوین، کهگیلویه و بویر احمد از نظر اصلاح‌طلبان عملکرد رضایت‌بخشی داشتند.

در میان آن بخش از اصولگرایان که در بررسی ما حضور داشتند نیز رضایت کاملی از انتخاب و عملکرد ۱۴ استاندار استان‌های یزد، خوزستان، همدان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، قم، تهران، اصفهان، البرز، فارس، بوشهر، سمنان، کردستان و خراسان جنوبی وجود دارد. هرچند که نسبت به عملکرد استانداران ۱۷ استان دیگر یعنی آذربایجان غربی و شرقی، اردبیل، همدان، چهارمحال و بختیاری و گلستان، قزوین، زنجان، گیلان و مازندران، گلستان، کرمانشاه، خوزستان و سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد وزنه انتقادات سنگین‌تر است.

▼ بازنده‌های چپش استانی

دیدگاه فعالان سیاسی استان‌های مختلف در مورد عملکردهای اجرایی و انتصابی نشان داد، معمولاً کارنامه اجرایی افراد منتخب برای فعالان سیاسی استان‌ها کمتر مورد اهمیت بود و همسویی با آنها ملاک عمل در نظر گرفته می‌شود. با این حال، تلاش برای انتخاب گزینه‌های بومی به‌ویژه در استان‌هایی که حضور افراد بومی که ویژگی‌های خاص استان را بدانند، از اقدامات مثبت وزارت کشور در انتصابات است. در استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی، فارغ از رویکرد اجرایی و سیاسی، انتخاب استاندار بومی مورد رضایت همه جریان‌های سیاسی در این استان‌ها بوده است.

مرور تجربه یک‌ساله فرایند انتصاب استانداران نشان داد که دولت چهاردهم نتوانست مدل حکمرانی منسجمی را در سطح استان‌ها پیاده‌سازی کند؛ مدلی که بتواند میان سه ضلع «اختیار استاندار»، «توقعات دولت مرکزی» و «مطالبات سیاسی و قومی در استان‌ها» تعادل برقرار کند. در نتیجه در بسیاری از استان‌ها، استانداران گرفتار تنش‌های سیاسی و فشارهای بیرونی به‌ویژه از سوی نمایندگان مجلس شدند که این مسئله باعث شد تا بخش قابل توجهی از انرژی مدیریتی استانداران به جای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای و عمرانی صرف حاشیه‌ها شود.

فرهنگی می‌تواند هزینه‌های ملی ایجاد کند. رویکرد سرمست در انتصابات در استان آذربایجان شرقی هم‌زمان هم تحسین و هم انتقاد برانگیخته، به‌ویژه در میان اصولگرایان و فعالان حوزه زنان که انتصاب‌های محدود او را نشانه محافظه‌کاری ساختاری می‌دانند.

گلستان: انتخاب علی اصغر طهماسبی، استاندار منتخب دولت چهاردهم در استان گلستان بیش از آنکه باعث نگرانی اصولگراها باشد، اصلاح‌طلب‌ها را ناراضی کرد. او تلاش دارد خود را نماینده گفتمان پزشکیان و نماد وفای معرفی کند، اما ترکیب انتصابات، تأکید افراطی بر وفاداری سیاسی و ناتوانی در ایجاد توازن میان اصلاح‌طلبان، اصولگرایان، بدنه ستادی و مطالبات محلی، عملاً او را از همان ابتدا در مرکز نارضایتی دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب در استان قرار داده است.

همدان: استاندار همدان به‌رغم آنکه از سوی جریان‌های اصلاح‌طلب برآمده است، اما در عمل و انتصاب مدیران خود گردش به جریان اصولگرایی را تقویت کرده است، همین امر منجر به بی‌اعتمادی دوگانه به وی از سوی هر دو جریان شده است. به اعتقاد فعالان سیاسی در همدان، عملکرد ملانوری براساس آنچه که از وی انتظار می‌رفت مطلوب ارزیابی نمی‌شود و تا زمانی که نتواند رابطه‌ای متوازن با جریان‌های سیاسی برقرار کند احتمالاً حمایت حداقلی سیاسی در استان را خواهد داشت.

خراسان شمالی: استاندار خراسان شمالی به واسطه رابطه خوبی که با وزیر کشور دارد، شروع پر حاشیه‌ای را آغاز کرد. در انتصاب‌ها عملکرد خوبی از خود نشان داد و در امر توسعه نگاه‌های انتقادی به وی بیشتر بود. او توانست نگاه مثبت فعالان سیاسی اصلاح‌طلب را به خود جلب کند، اما در همراهی جریان‌های اصولگرایی ناکام بود، تا جایی که سیدمحمدرضا سیدی فعال سیاسی اصولگرا اظهار کرد که وفای ملی در خراسان شمالی فقط بین جریان اصلاحات حاصل شد.

مرکزی: مهدی زندیه وکیلی به استاندار معیارهای دوگانه در مرکزی معروف است. از یکسو در پاسخ به انتقادها می‌گوید که نباید انتخاب‌های سیاسی داشت و از سوی دیگر در سمت‌های غیرسیاسی و صنعتی، چهره‌ای سیاسی را منصوب کرده است. فعالان سیاسی هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا در استان معتقدند دخالت‌های بسیار دست استاندار را بسته است و تلاش‌های او برای ارتباط گرفتن با احزاب به دلیل تأکید دولت بر تعامل با نمایندگان بی‌نتیجه مانده است.

ایلام: احمد کرمی استاندار اصولگرای ایلام با فشارهای زیادی از هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا کار خود را آغاز کرد. فعالان سیاسی این استان معتقدند نگاه وی در انتصابات استفاده از کسانی است که گفتمان وفای ملی را قبول دارد؛ هرچند که او نتوانست از گزند دخالت‌ها در امان بماند و اختیارات استاندار در این زمینه سلب شده است.

سمنان: پیشینه دوگانه محمدجواد کولیوند در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی که هر دو اصالتاً سمنانی بودند، باعث شد تا فعالان سیاسی استان سمنان، عملکرد او را به عنوان استاندار دولت چهاردهم با حساسیت بیشتری دنبال کنند. او تاکنون نتوانسته رضایت فعالان سیاسی سمنان را جلب کند به اعتقاد آنها با اجرای برنامه‌های دولت آرامش سیاسی را در استان برقرار کند.

چهارمحال و بختیاری: جعفر مردانی در چهارمحال و بختیاری تلاش کرد تا با جدا کردن مسیر خود از جریان‌های سیاسی، خود را از فشارهای سیاسی استان رها کند، اما او نتوانست در برابر لابی‌های پیچیده‌ای که فعالان سیاسی استان یک سر آن را به نمایندگان مجلس و سر دیگر را به انفعال استاندار نسبت می‌دهند عملکرد موفقی داشته باشد. از نگاه جریان‌های سیاسی نقش پررنگ برادر استاندار در شرایطی که در استانداری چهار محال و بختیاری حاکم است را نباید دست کم گرفت. برخی چهره‌های سیاسی نیز معتقدند وی برای آرام نگاه داشتن فضای مدیریتی استان باج‌های سیاسی می‌دهد. **سیستان و بلوچستان:** انتخاب یک بلوچ اهل سنت برای استانداری سیستان و بلوچستان رضایت مردم استان و فعالان سیاسی را به همراه داشت. به اعتقاد فعالان سیاسی استان، او در مدت حضور خود در سیستان و بلوچستان توانست حمایت دولت و گروه‌های بلوچ و کسانی که به شدت در دو سال اخیر نسبت به رویکردهای دولت و حاکمیت در این استان اعتراض داشتند را به دست آورد.

خوزستان: محمدرضا موالی‌زاده به عنوان یک چهره عرب و بومی توانست نظر مثبت فعالان سیاسی در خوزستان را جلب کند. با این حال برخی چهره‌های سیاسی او را فاقد اقتدار مدیریتی می‌دانند که توان «نه» گفتن ندارد. او با وجود اینکه یک چهره بومی است اما نتوانست از اتهامات قومی‌گرایی دور بماند و برخی انتصاب‌های وی با عنوان غرض‌ورزی قومیتی تعبیر شد.

اصفهان: انتخاب مهدی جمالی‌نژاد به عنوان استاندار اصفهان یکی از پر حاشیه‌ترین انتصاب‌های دولت چهاردهم بود. چهره‌ای اصولگرا که حمایت نمایندگان تندرو مجلس را داشت و همین موجی از نگرانی را ایجاد کرد. جمالی‌نژاد در انتصاب‌های خود نیز ثابت کرد که به جریان حامی خود وفادار است و سهم اندکی که برای اصلاح‌طلب‌ها در نظر گرفت نارضایتی گسترده‌ای را میان این طیف حامی دولت ایجاد کرد.

یزد: انتخاب یک اصولگرا در خانه اصلاح‌طلبان، شکست بزرگی برای اصلاح‌طلبان یزدی بود. محمدرضا بابایی، استاندار جدید یزد، تلاش‌هایی برای استفاده از جریان‌های اصلاح‌طلب انجام داد، اما به عقیده چهره‌های سیاسی

را عملیاتی کند؛ هرچند که استفاده وی از گزینه‌های غیربومی در بدنه استانداری محل انتقاد است.

هرمزگان: استاندار هرمزگان با وجود ۲۰ سال سابقه نمایندگی در هرمزگان با قطاری از مشاوران کار خود را در این استان آغاز کرد. محمد آشوری تازیانی در مراسم معارفه خود از حرکت بر مدار برنامه‌ریزی شده سخن گفت، با این حال وی نیز تحت فشار نمایندگان مجلس استان قرار گرفت که به اعتقاد فعالان سیاسی این استان کار را برای وی سخت خواهد کرد و مردم نیز ناامید خواهند شد.

خراسان رضوی: پیچیدگی ساختار قدرت در خراسان رضوی باعث شد تا انتخاب یک چهره معتدل برای پایتخت مذهبی کشور که همواره استاندارانی با گرایش اصولگرایی داشته، نقطه عطفی در استان خراسان رضوی حساب شود. غلامحسین مظفری به عنوان یک چهره سیاسی با نفوذ هم توانست رضایت اصلاح‌طلبان این استان را به دست آورد و هم اصولگراها، او با به‌کارگیری مدیرانی از جریان اصلاح‌طلب طلسم چندین‌ساله را شکست اما این اقدام وی مورد انتقاد اصولگراها بود. او تلاش کرد تا با انتخاب چهره‌های اصلاح‌طلب پیام مثبتی به حامیان جریان فکری همسو با دولت چهاردهم بدهد اما عدم تحقق وعده انتصاب زنان و نیز اعتراضات روز معارفه نشان می‌دهد که او هنوز نتوانسته تعادل پایداری میان نیروهای سیاسی برقرار کند.

کرمان: حرکت جسورانه استاندار منتخب دولت در استان کرمان در برکناری فرماندار که در دوران چهار استاندار پیشین در سمت خود ابقا شده بود و تعیین یک مشاور نسل زد رویکردی متفاوت در میان استانداران استان‌های کشور بود. محمدمهدی طالبی توانست دستت بالای قدرت را در مقابله با انتقادات و نیز اعتراضات به انتصابات درون استان به دست بگیرد، با این حال روحیه اقتدارگرایی او در نظارت بر تمامی انتصابات نیز مورد انتقادات فراوانی قرار گرفته است.

اردبیل: انتخاب مسعود امامی‌یگانه به‌عنوان استاندار اردبیل نمونه‌ای روشن از غلبه وزن ستادهای انتخاباتی بر منطق مهندسی قدرت در استان است؛ انتخابی که هم از دل فهرست ۱۳ نفره ستاد پزشکیان بیرون آمد و هم از همان آغاز با حاشیه‌هایی درباره دخالت نهادهای مذهبی و مقاومت سیاسی روبه‌رو شد. شائبه‌هایی درباره دخالت امام جمعه اردبیل در انتخاب استاندار مطرح بود که از سوی امام جمعه تکذیب شد اما این گمانه درست یا غلط بوده باشد، دخالت‌ها در نهایت گریبان امامی را نیز گرفت. تعدد سرپرست‌هایی که از سوی وی منصوب می‌شدند به دلیل سنگ‌اندازی‌هایی اعلام شد که اجازه منصوب کردن تیم مدیریتی را به امامی‌یگانه نمی‌داد. **قزوین:** در قزوین نیز فشار نمایندگان، انتخاب استاندار این استان را سخت و پیچیده کرد و در ادامه با انتخاب محمد نوذری فضای فشار و انتقاد ادامه پیدا کرد. او در مراسم معارفه تلویحاً از سوی نمایندگان مجلس تهدید نیز شد. رئیس مجمع نمایندگان استان با انتقاد از وزیر کشور در بی‌توجهی به نظر نمایندگان آن را بر خلاف وفای ملی دانست که اگر استاندار در این مسیر حرکت نکند اهرم نظارت مجلس بالای سرش خواهد بود. او در عمل کابینمای محتاط و مبتنی بر مصالح سیاسی تنظیم کرد؛ انتصاب‌هایی که نشان از محدودیت اختیار او و تأکیدی‌اش به رعایت خطوط قرمز نمایندگان دارد.

بوشهر: در انتخاب استاندار بوشهر نیز لابی‌های گسترده‌ای در جریان بود؛ از پادرمیانی مدیر تأمین اجتماعی تا دخالت نمایندگان مجلس در انتخاب استاندار بوشهر اثرگذار بودند. او که با حمایت اصلاح‌طلب‌ها وی کار آمد با عملکردی که در انتصابات داشت منجر به ناامیدی این جریان شد. رویکردی که در برگزاری مسئول کوچه داشت نشان داد وی یک خوشامی فرهنگی در بوشهر برای ایجاد کرد با این حال ضعف اداری و فقدان اقتدار سیاسی‌اش از دید فعالان حزبی و سیاسی بوشهر دور نماند.

خراسان جنوبی: استانداری سیدمحمدرضا هاشمی در خراسان جنوبی از دل مجموعه‌ای از محاسبات سیاسی و ملاحظات امنیتی-اقتصادی بیرون آمده است؛ انتخابی که بر خلاف مطالبه بخشی از بدنه ستادی دولت چهاردهم، بار دیگر در مسیر اصولگرایی افتاد اما این‌بار با چهره‌ای میانه‌رو و باتجربه باز سیاسی. هاشمی در دولت‌های رئیسی و روحانی جزو مدیران وزارت کشور بوده است. براساس رویکرد وزیر کشور نسبت به این استان مرزی که نمی‌خواست فردی را روی کار بیاورد که اولین تجربه استانداری‌اش رقم خورده باشد، انتخابی منطقی برای این استان انجام شد.

کهگیلویه و بویراحمد: انتخاب استاندار جدید کهگیلویه و بویراحمد نیز در سایه نمایندگان مجلس قرار گرفت. دخالت نمایندگان هم در انتصابات و هم در امور اجرایی کار را برای بدالله رحمانی سخت کرد و در میان این صدای بلند ناشی از دخالت‌ها، برنامه‌هایی که خود او برای کهگیلویه و بویراحمد در پیش گرفته کمرنگ جلوه داده شد.

آذربایجان شرقی: بهرام سرمست یک مدیر بومی و دوست نزدیک رئیس‌جمهور است که به سمت استانداری آذربایجان شرقی منصوب شد. او با وجود اعتماد عمومی که در پی رویکرد خود در جریان جنگ دوازده‌روزه به دست آورد، اما در ادامه با دوگانگی‌هایی آشکار در حکمرانی مواجه شد. او از یک‌سو با تکیه بر تجربه استانداری قم و برنامه‌های عملیاتی مانند «سه‌شنبه‌های اقتصادی» توانسته بخش‌هایی از اقتصاد استان را فعال و در میان فعالان اقتصادی جایگاه مثبتی به‌دست آورد؛ از سوی دیگر، اظهارات جنجالی‌اش درباره اصل ۱۵ و مسئله زبان مادری نشان داد که حضور او در میدان

سیاستمداران



سیاه‌بازی به بهانه خط سفید

عمادالدین باقی، فعال حقوق بشر در یادداشتی که در سایت خود منتشر کرد به موضوع اینترنت سفید که بحث‌هایی را به‌وجود آورده ورود کرد و نوشت: «چیزی به اسم سیم کارت سفید وجود ندارد و نشنیده‌ام به کسی سیم‌کارت سفید داده باشند؛ مسئله‌ای که اکنون مطرح است»-حذف ناقص فیلتر» از بعضی شماره تلفن‌ها است. از اولین روزی که در سال ۲۰۱۷ وارد توئیتر شدم تا سال‌های بعد هم با فیلترشکن بوده است. من همواره با هر نوع فیلترینگ مخالف بوده و هستم و بارها در این باره نوشته و گفته‌ام و هرگز از هیچ نهادی در خواست رفع فیلتر برای شخص خود نداشتم. شماره تلفن اختصاصی متعلق به شخص من مانند خط تلفن دیگران است. خط دیگری هم که شبکه‌های اجتماعی با آن دیده می‌شود خطی است که بعد از جنگ بعضی سامانه‌ها را بدون فیلتر باز می‌کرد به همین دلیل به افراد زیادی گفتم تلگرام رفع فیلتر شده اما چند روز بعد متوجه شدم فیلتر این خط، آن هم فقط برای بعضی اپلیکیشن‌ها(نه رفع فیلتر کامل) برداشته شده، بدون اینکه به خودم اطلاعی داده شود به همین دلیل تا مدتی همچنان از فیلترشکن استفاده می‌کردم. در بخش دیگر این یادداشت آمده است: «در حذف فیلترینگ می‌توان دفعاتاً با مر حله‌ای عمل کرد. اگر امن‌تر حقوق بشر بنگریم همین امروز باید فیلتر برای همه مردم در ایران برداشته شود اما منظر واقع‌گرایی سیاسی و با توجه به‌مقاومت‌های سخت از سوی اقتدارگرایان باید از تلاش دولت در رفع تدریجی فیلتر حمایت کرد. رفع فیلتر دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و کنشگران رسانه‌ای و اصناف دیگری مانند عده‌ای از بازرگانان و کسبه‌و برخی از وکلا که گویا همچنان در حال افزایش شمار آنان هستند، می‌تواند قدیمی در راه حذف کامل فیلترینگ باشد چون این اقشار با اطلاعات به مفهوم فنی و حرفه‌ای کلمه سر و کار روزمره دارند. البته آن دسته از افراد دانشگاهی و مطبوعاتی که هم مدافع فیلترینگ باشند و هم از اینترنت بی‌فیلتر بهره ببرند حتماً رفتارشان مناقفه‌است اما روزنامه‌نگاری که در رسانه خود باید به همه اطلاعات دسترسی داشته‌باشد می‌تواند از این موقعیت برای گسترش فضای رفع فیلتر استفاده کندو این در مورد دانشگاهیان هم صدق می‌کند. اگر کسی با روند توسعه حذف فیلتر و آزادسازی اینترنت مخالفت کند نگاهش خودخواهانه است نه ملی زیرا به جای اینکه این روند را تشویق کند تا حذف فیلتر توسعه پیدا کند از منطق «اگر همین امروز برای من سودی ندارد نبودنش بهتر است» پیروی می‌کنند.»وی در پایان تصریح کرده است: «حق استفاده از اینترنت یک حق همگانی است که ما سال‌ها برای آن مبارزه کرده‌ایم و می‌کنیم و ربودن این حق از شهروندان مانند این است که قدرتمندی اموال شما را تصاحب کرده باشد و طبیعتاً هر مقدار از این حق را که بتوانیم از چنگ رباینده دریاوریم این کار را خواهیم کرد و هزاران نفر دیگر هم که این حق را گرفته‌اند ملامت نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم که تعداد آنان هر چه بیشتر گسترش پیدا کند و همگانی شود. ملامت برای سیاستمدارانی است که از این حق به صورت تبعیض‌آمیز استفاده می‌کنندولی بافیلترینگ موافقت‌و برای احقاق حقوق دیگران فریادی ندارند و برای گسترش و همگانی شدن آن سکوت پیشه می‌کنند.»



سفیدسازی نکنید

آذر منصوری درباره اینترنت سفید نوشت: «وقتی درباره اینترنت طبقاتی یا خط سفید حرف می‌زنم، ناگزیرم واقعیتی را یادآور شوم که هر روز به چشم می‌آید: تا وقتی از پشت‌پشتیسه‌های دودوامتیاز و دسترسی‌ویژه به دنیایگاه کنی، تبعیض را نمی‌بینی. برای همین است که می‌گویم هر مسئولی، هر تصمیم‌گیرنده‌ای، قبل از تصمیم‌گیری و تصویب هر طرحی باید مدتی مثل یک شهروند عادی زندگی کند؛ با همان اینترنت محدود، همان صف‌ها، همان فیلترها و همان موانعی که اکثریت مردم با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.» در بخش دیگر این یادداشت آمده است: «اگر تصمیم‌گیرندگان حتی چند هفته به اینترنتی که مردم دارند زندگی کنند، دیگر هیچ‌وقت به ذهن‌شان نمی‌رسد که محدودیت را به‌صورت طبقاتی یا حق‌ویژه توزیع کنند. تجربه‌مستقیم‌نشان می‌دهد که این نگاه چقدر ناعادلانه، ناکارآمد و آسیب‌زا است.»